

مراسم آبخواهی و کارکردهای فرهنگی اجتماعی آن؛ مردم‌نگاری

مراسم آبخواهی از قنات فیجار

شهرام باسیتی^{۵۰}

چکیده

کمبود آب به عنوان بهاترین ثروت در اختیار انسان یکی از مهمترین چالش‌هایی است که در تاریخ ایران همواره مورد تاکید واقع شده است. این امر به دلیل اقلیم خشک و شکننده‌ی کشور به‌ویژه در مناطق مرکزی به عنوان عاملی حیات‌بخش مورد توجه ویژه مردمان این سرزمین بوده است. به همین دلیل آنها اقدام به احداث قنات نموده تا بتوانند از آب‌های زیرزمینی استفاده بهینه داشته باشند. در روستای بخش آباد به دلیل اهمیت و نحوه‌ی تقسیم‌بندی آب قنات فیجار، مراسمی آبخواهی هر ساله برگزار می‌شده است. این پژوهش با در نظر داشتن رویکرد کارکردگرایی سعی در مردم‌نگاری این مراسم با در نظر داشتن کارکردهای فرهنگی اجتماعی آن برای مردم روستا داشته است. نتایج نشان می‌دهد که مراسم آبخواهی در روستای بخش آباد در سه نوع مراسم، نماز و دعای باران، قربانی و عروس چشمه برگزار می‌شده که این مراسم‌ها دارای کارکردهای انسجام، همیاری و تعاون در میان روستاییان بوده و با عناصری مشترک بهم پیوند داده می‌شدند. زمان اجرای مراسم در روز جمعه سوم اسفند هر سال، تفکیک جنسیت

^{۵۰} استادیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام

نور، دامغان، ایران

و تقسیم - کار و پوشش رنگ سفید برای همه از مهمترین عناصری مشترکی هستند که در مراسم آبخواهی در هر سه نوع مراسم دیده می‌شوند.

کلمات کلیدی: مراسم آبخواهی، کارکردهای فرهنگی اجتماعی، مردم‌نگاری، قنات فیجار، روستای بخش آباد

فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی کاربردی و پژوهش‌های اجتماعی (شماره ۴ تابستان ۱۴۰۱)

مقدمه

آب گران بهاترین ثروتی است که در اختیار بشر قرار گرفته است؛ بخصوص در مناطق خشک که سطح عظیمی از کشور ما را در بر گرفته است. با توجه به اقلیم خشک و شکننده‌ی کشور و با در نظر گرفتن خشکسالی‌های اخیر، اهمیت آب به عنوان یک نهادهای حیاتی بیش از پیش مشخص گردیده است. در آینده‌ی نزدیک، آب به عنوان یک نهادهای محدود کننده‌ی توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی کشور خواهد شد. به لحاظ اقلیمی، ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی و قرار گرفتن در منطقه خاورمیانه از کشورهای کم آب جهان به شمار می‌رود (خالدیان و ابراهیمی، ۱۳۹۳). کمبود بارش سالانه و دیگر عوامل اقلیمی باعث شده است که محدودیت منابع آبی به یکی از مهم‌ترین چالش‌های این کشور تبدیل شود، به طوری که یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها و بحران‌هایی که بدان گرفتار است بحران و کمبود ذاتی آب است (کاوه‌سی، ۱۳۹۱: ۱۱۸).

در میان انواع منابع آبی، منابع آب زیرزمینی به دلیل ویژگی‌های خاص خود چون غیرقابل رویت بودن، در دسترس بودن، انطباق کامل با تقاضا، سرمایه‌گذاری اولیه کم و کیفیت بالای آن بیشتر مورد دست‌اندازی قرار گرفته است. به طوری که بر اساس آمار رسمی وزارت نیرو، در سال ۹۵، تشدید افت سطح آب زیرزمینی و کسری مخزن در آبخوان‌ها، ممنوعیت بیش از ۳۱۳ محدوده از ۹۰۹ محدوده مطالعاتی کشور، که این آبخوان‌ها حجم بیش از ۹۰ درصد منابع آب زیرزمینی کشور را در خود جای داده‌اند، را به دنبال داشته است. در

مجموع، تجمیع اضافه برداشت از ذخایر آب زیرزمینی در فاصله چهار دهه گذشته از آبخوان‌های کشور بیش از 120 میلیارد متر مکعب (تا سال ۱۳۹۴) اعلام شده است. این امر اندیشمندان و برنامه‌ریزان را به فکر اصلاح برنامه‌ها و ارتقای فرهنگ مصرف آب انداخته است. فرهنگ مصرف آب از جمله مهمترین مقولاتی است که با گسترش مباحث حول ساماندهی آب، در چند دهه‌ی پیش مطرح گردیده است. این امر همزمان به روند بازخوانی و بازسازی دید فرهنگی نسبت به آب در گذشته منجر شده است. هر فرهنگی، مجموعه سنت‌ها، مناسک و اعمال خاص خود را دارد. آب معمولاً یک عنصر کلیدی است. نمونه‌های آن [مراسم] رقص باران در آفریقا و در بین مردمان اولیه آمریکا جهت اطمینان‌دهی از این امر است که آب برای افراد، دام‌ها و محصولات وجود دارد، یا مناسک متعدد آب در ژاپن با این اعتقاد که برای تقریباً هر حادثه در زندگی فرد، نوعی رهایی یا امنیت را فراهم می‌سازد. آب نعمتی است حیات بخش که همواره بدست آوردن و حفظ آن جزء اصلی‌ترین دغدغه‌های ساکنین مناطق کم آب ایران بوده و تلاش‌های بسیاری که ساکنین این سرزمین برای دسترسی و حفظ آن متحمل شده‌اند، ارزشش را برایشان دوچندان کرده و آرام آرام نزدشان مقدس شده است. هر موضوعی هم که نزد انسان مقدس شود برای گرامیداشتش مراسمی را اجرا می‌کند. مراسمی که در گذشته در مناطق کم آب برای آب اجرا می‌شده نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در واقع همان رسومی بوده‌اند که به منظور بزرگداشت آب و یا آخواهی از طبیعت اجرا می‌شده‌اند.

روستای بخش‌آباد^{۵۱} به دلیل قرار گرفتن در موقعیت خاص جغرافیایی بیابانی و نیمه بیابانی همواره با مشکل کم‌آبی مواجهه بوده است. کمبود آب در این سرزمین کهن و وابستگی‌های شدید ساکنین آن به آب به دلیل فعالیت‌های کشاورزی، باغداری و بعضاً دامداری که عمده‌ترین و اصلی‌ترین فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزایی ساکنین آن به حساب می‌آید، باعث شده تا همواره چشم به آسمان دوخته و منتظر حضور ابرهای باران‌زا و بارش نزولات آسمانی که منجر به افزایش آب چشمه خیل^{۵۲} (خیل به معنی گله گوسفند) و قنات فیخار^{۵۳} می‌شود باشند. اما اگر این اتفاق رخ نمی‌داد و کم‌آبی آزارشان می‌رساند، همین امر باعث می‌شد تا برای در خواست آب و پر آب شدن قنات فیخار مراسمی را اجرا کنند. مراسمی که ریشه در باورها و اعتقادات ساکنین روستا داشته و جزء فرهنگ مردم آن منطقه شده است. باورها و اعتقاداتی که با دستورالعمل‌های مفید انسانی همراهند و رعایت آنها لازمه زندگی اجتماعی است. به گونه‌ای که در افراطی-ترین آنها می‌توان رموزی پنهان را که جلوه‌ای از اندیشه و تفکر نیاکان مان بوده را پیدا کرد. حال این سوال مطرح می‌شود که کارکرد اصلی اجرای این مراسم چه بوده است؟ این مراسم‌ها به چه شیوه‌هایی اجرا می‌شده‌اند و چه نقشی‌ها و کارکردهای فرهنگی را سبب شده است؟

⁵¹ Bakhsh Abad

⁵² Cheshmeh khil

⁵³ Qanat Feykhar

روش کار

استفاده از مردم‌نگاری^{۵۴} توسط مالینوفسکی (که به وی پدر مردم‌نگاری لقب داده‌اند) با رویکردی مبتنی بر نجات‌بخشی همراه بود. این سبک که به آن واقعه‌گرایی مردم‌نگارانه نیز گفته می‌شود، در پی ثبت و امر مدرن در حال نابودی و فنا بودند. از اینرو رویکرد مسلط بر مردم‌نگاری واقع‌گرا، رویکرد درون‌نگر یا امیک (Emic) بود که معتقد بود بایستی از دید بومیان به فرهنگ آنان نگریست و آنان را مورد مطالعه قرار داد. این رویکرد اما با گذشت کمتر از نیم قرن و با ظهور انسان‌شناسانی همچون کلیفورد گیرتز، جای خود را به رویکرد تفسیری داد که خود نقطه تلافی چند جریان مشخص نظیر رویکردهای فلسفه قاره‌ای، فلسفه تحلیلی و سنت انسان‌شناختی متقدم بود. در این رویکرد، اگرچه جای دیدگاه امیک محفوظ می‌ماند، اما مردم‌نگار از آن فراتر می‌رود و به دیدگاه اتیک (Etic) یعنی نگریستن پدیده از دید محقق و تفسیر آن براساس پیش‌فرض‌های محقق می‌رسد. گیرتز در این دیدگاه با بکاربردن رویکرد هرمنوتیک در فلسفه قاره‌ای، فرهنگ را همچون متن می‌انگارد. متنی که بایستی آنرا مورد خوانش و تفسیر قرار داد. در این راستا، دیدگاهی جدید خلق می‌شود که نتیجه فرافکنی افق مردم‌نگار برفاق جامعه مورد مطالعه

⁵⁴ Ethnography

است و این خود در نتیجه تلفیق دستگاه نظری گادامر در مفهوم امتزاج افق‌ها^{۵۵} با سنت انسان‌شناختی است (کمیل، ۱۳۹۶).

مردم‌نگاری به شکل سنتی روشی میدانی و رویکردی برای نوشتن توصیف شده است. زمانی که محقق میدانی و مردم‌نگاری در زندگی دیگران مشارکت می‌کند، مردم و حوادث را مشاهده و مستندسازی می‌کند، یادداشت‌های میدانی مفصل برمی‌دارد. مصاحبه انجام می‌دهد، و از این قبیل. همانند نویسندگان، مردم‌نگاران این اطلاعات جمع‌آوری شده، و چنانچه بسیاری معتقدند ساخت شده را به مثابه متن سازماندهی، تفسیر و ثبت می‌کنند. در طی قرن اخیر، کار میدانی و نوشته‌های مردم‌نگاری به عنوان مجموعه بسیار خاصی از مفروضات، معرفت‌شناسی‌ها و انتظارات، و خالق فرم‌های متنی قابل تشخیص برخی ممکن است بگویند قابل پیش‌بینی _ شناخته شده است.

با توجه به ماهیت موضوع که در حوزه انسان‌شناسی فرهنگی انجام شده است، در نتیجه پژوهش حاضر از متداول‌ترین نوع پژوهش در این گرایش علمی یعنی پژوهش کیفی بهره برده است. همچنین بخش مباحث نظری آن نیز از نوع کتابخانه‌ای می باشد. ابزارهای استفاده شده جهت گردآوری اطلاعات مورد نیاز پژوهش مصاحبه عمیق با سوالات باز و اسناد مکتوب در کتابخانه ها است. پژوهشگر برای ورود به منطقه مورد نظر جهت گردآوری اطلاعات، در ابتدا با

⁵⁵ Horizontverchmelzung

هماهنگی قبلی و حضور در دهیاری روستای بخش آباد اقدام به گفتگو پیرامون موضوع و اهداف پژوهش با دهیار کرده است. دهیار نیز با توجه به شناختش از ساکنین روستا، اقدام به معرفی و هماهنگی جهت انجام مصاحبه و گردآوری اطلاعات با پنج نفر (سه زن و دو مرد) که حداقل در دوران زندگی یکبار در مراسم حضور داشته و جزء مطلعین واقعی این رسوم هستند کرده و زمان تعیین‌شده برای انجام مصاحبه را به پژوهشگر اعلام نموده است. پژوهشگر نیز در زمان تعیین شده با حضور در روستا اقدام به انجام مصاحبه (ت‌برداری و ضبط صدا) و گردآوری اطلاعات کرده است. این مصاحبه در برگزیده سوالات باز و اصلی به مدت ۶۰ تا ۹۰ دقیقه بوده که بر حسب سنجش اعتبار نظری آن‌ها را در متن پژوهش ذکر می‌نماییم. پس از گردآوری اطلاعات که زاویه دید پژوهشگر به آنها از منظر رابطه متقابل میان انسان و طبیعت است، به طور جمعی و به کمک تحلیل توصیفی تاریخی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

موقعیت جغرافیایی منطقه

بخش آباد نام روستایی است که در ۱۱ کیلومتری غرب شهرستان دامغان و در منطقه قهاب صرصر واقع شده است. پیش از شکل‌گیری این روستا به شکل امروزی، در همان موقعیت جغرافیایی ۶ مزرعه با نامهای منصورآباد، لعلو، مُلک بلند، احمد آباد، مشیرآباد و قلیچه وجود داشته که بنا به روایتی منصورآباد به بخش آباد تغییر نام یافته است. آب مورد نیاز این روستا توسط یک رشته قنات دایر که فیخار نامیده می‌شود و سرچشمه آن از چشمه خیل که در ۸ کیلومتری شمال

روستا است و در قسمت جنوبی رشته کوه‌های البرز واقع شده و مظهر^{۵۶} آن قنات در ۲ کیلومتری روستا است تامین می‌شود. میزان خروجی آب قنات ارتباط تنگاتنگی با بارش نزولات آسمانی داشته و دبی آن از اواخر زمستان تا اول تابستان بیشتر به دلیل بارش نزولات آسمانی از دیگر زمانهای سال است. عمده فعالیت ساکنین این روستا در ابتدا کشاورزی و کشت سیفی جات، باغداری و کشت پسته و انار و در نهایت دامداری است.

یافته‌ها

چگونگی مالکیت بر قنات فیخار

در موقعیت جغرافیایی که روستای بخش آباد واقع شده است ۶ مزرعه ارباب نشین وجود داشته است که آب مورد نیاز کلیه مزارع از چشمه ای با عنوان چشمه خیل تامین می‌شده است. در حدود ۳۵۰ سال قبل به دلایل کاهش بارش نزولات آسمانی و خشکسالی‌های پیایی و در نتیجه کم‌آبی‌های بوجود آمده، ۵ مزرعه کامل نابود شده و ساکنین آن مزارع را ترک کردند. اما ارباب مزرعه منضور آباد و زارعین در برابر شرایط سخت کم‌آبی مقاومت کرده و برای جلوگیری از به حدر رفتن و تلف شدن بیشتر آب چشمه بر اثر تبخیر تصمیم به حفر قنات در مسیر نهر چشمه خیل به سمت مزرعه گرفته تا از این طریق آب چشمه را با حفظ و حراست بیشتری به روستا و مزارع هدایت نمایند. در نهایت پس از حفر قنات نام آن را فیخار گذارده و

^{۵۶} محل ظاهر شدن آب قنات بر روی سطح زمین را مظهر قنات می‌گویند.

ارباب ۳ دانگ از ۶ دانگ را جهت جلوگیری از واگذاری وقف اولاد ذکور^{۵۷} کرده و ۳ دانگ دیگر از آن را جهت انجام فعالیت‌های کشاورزی و کشت محصولات زراعی به زارعین و رعایایی که او را در ساخت قنات کمک کرده‌اند واگذار می‌کند و از همان زمان منصورآباد به بخشش آباد یا همان بخش آباد کنونی تغییر نام می‌یابد. طبق اظهارات مطلعین در حدود ۱۳۰ سال قبل خشکسالی‌های متوالی مجدداً رخ می‌دهد و هم‌زمان نیز وقوع یک زلزله، آسیب بسیار زیادی به قنات می‌رساند. از آنجا که به دلیل خشکسالی‌های متوالی و عدم درآمد کافی در آن سال‌ها رعایا توان مالی مناسبی برای بازسازی قنات نداشته و ارباب یا مالکی که از طریق وقف اولاد ذکور مالکیت را بدست آورده بود نیز شخصاً هزینه‌های مرمت و بازسازی قنات را بر عهده نمی‌گیرد؛ در نتیجه پس از کش و قوس‌های زیاد تصمیم می‌گیرند که در ازای واگذاری ۲ دانگ از آب قنات (۱ دانگ سهم مالک و ۱ دانگ سهم رعایا به همراه مقداری زمین که با این میزان آب بتوان زیر کشت برد) به مدت ۹۹ سال به شخص دیگری قنات را مرمت و بازسازی نمایند. از آن پس مالکیت بر قنات و زمین‌های زراعی روستای بخش آباد به صورت ۸ دانگ محاسبه می‌شود و مدار گردش آب از ۶ شبانه روز به ۸ شبانه روز تغییر می‌یابد که همچنان نیز تداوم دارد.

^{۵۷} در این گونه وقف دارایی تنها به فرزند مذکر ارشد خانواده به ارث می‌رسد.

مراسم آبخواهی

از جمله مراسمی که در مناطق کم‌آب ایران اجرا می‌شده و ارتباطی تنگاتنگ با شرایط اقلیمی و جغرافیایی این سرزمین داشته است، رسوم مربوط به آبخواهی و باران‌خواهی بوده است. اصولاً اجرای این مراسم متناسب با فرهنگ اقوام گوناگون شکل گرفته و علل متفاوتی نیز دارند. برخی از آنها دارای زمینه‌های مذهبی هستند، بعضی دیگر هم با سبک زندگی و فرهنگ خاص مردم این سرزمین ارتباط دارند. رسوم آبخواهی جزء مراسمی هستند که در اغلب مواقع دارای زمینه‌های مذهبی است و اجرای آنها دارای جنبه‌های کارکردی بسیاری است. که می‌تواند تأثیرات بسیار زیادی بر زندگی اجتماعی افراد یک منطقه بگذارد.

اما آیین‌ها و مراسم باران‌خواهی را در ایران با توجه به شیوه‌های برگزاری و نشانه‌های آنها می‌توان به ترتیب زیر طبقه‌بندی نمود. ۱. رسم باران‌خواهی که صورت نمایشی دارند و «کوسه» نقش اصلی آنها است. ۲. رسم باران‌خواهی که محور اصلی و وجه مشترک همه آنها، عروسکی است که زنان و دختران درست می‌کنند و بچه‌ها در کوچه‌ها می‌گردانند. ۳. رسم‌های گاوربایی زنان یک محله یا روستا و جنگ‌ساختی آنان با زنان محله یا روستای دیگر. ۴. رسم‌هایی که در آنها به گونه‌ای شکستن حرمت یک شی یا امر مقدس را تظاهر می‌کنند و یا به نحوی شدت سختی زندگی را در کمبود آب و باران می‌نمایانند. ۵. نیایش و نماز و دعای باران و رفتن به مصلی. ۶. گونه‌های دیگر رسم‌های باران‌خواهی (میرشکرایبی، ۱۳۸۰: ۹۴).

به طور کلی سه نوع از مراسم آبخواهی در روستای بخش آباد اجرا می‌شده که عبارت بودند از: نماز و دعای باران، قربانی و عروس چشمه. در سال‌های کم آب اجرای هر سه مراسم در ارتباط و تکمیل یکدیگر بوده‌اند. یعنی اگر روستاییان از اجرای یک رسم جواب مورد نظرشان را دریافت نمی‌کردن مایوس و ناامید نشده و رسوم دیگر را اجرا می‌کردند. لازم به ذکر است که دو مورد از سه مورد رسوم آبخواهی یعنی نماز و دعای باران و عروس چشمه در سال‌هایی که بارندگی کم بوده و خشکسالی به روستاییان آزار می‌رسانده اجرا می‌شده، اما اجرای رسم قربانی هر ساله بوده و همچنان نیز با تغییراتی اجرا می‌شود.

توصیف و تحلیل مراسم سه گانه آبخواهی در رابطه با قنات فیخار

نماز و دعای باران: در ایران، قدیمی‌ترین نشانه‌های خواندن نماز و دعای آبخواهی و بارش باران را می‌توان در تیریش، یشت ستایش تیشتر، ایزد باران مشاهده کرد. در این یشت، وظیفه پایداری در برابر دیو خشک سالی به صراحت و روشنی از وظایف تیشتر به شمار آمده است. مردمان سرزمین‌های آریایی باید او را با نمازی به بانگ بلند و با سخن رسا بستایند. باید با اندیشه و گفتار نیک یعنی با نیت و بیان پاک او را نیایش کنند (تیریش، بند ۳). باید برای او زوهر نثار کنند. برسم بگسترانند و برایش گوسپند یک رنگ بریان کنند (پورداوود، ۱۳۴۷: بند ۵۸).

پس از ورود اسلام به ایران شاهد آن هستیم که دعا و نماز آبخواهی و بارش باران همچنان ادامه دارد. در کتاب‌های دعا از جمله

مفاتیح الجنان، مجمع الدعوات و نهج البلاغه دعاهای مخصوص باران وجود دارد. آنچه در زیر می‌آید قسمتی است از دعای نوزدهم باران خواهی که در صحیفه سجادیه آمده است:

ای آفریدگار متعال ما را از سرچشمه ابرها، زلال رحمت بچشان و باران‌های پربرکت خویش را بر زمین‌های تشنه و سوخته ما فروبار. به فرشتگان رحمت و رافت خویش فرمان کن که ابرهای برکت را به سوی ما برانند و کام تشنه ما را به زلال باران سیراب سازند... بارانی که فراوان سودمند، فرخ‌بخش و نشاط‌افزا باشد. بارانی که زوایای مرده زمین را زنده سازد... بارانی که ناف زمین بگشاید و کودک نبات برآورد و بر روزی خوران بیفزاید... ابری که فشرده و آبدار باشد و رگباری گوارا، فرخنده و فراوانی بیفشاند... ابری که برق آور و آتش‌زا نباشد... بارانی که در مزرعه‌ها خوشه‌های پربرابر بروراند و در مرتع‌ها پستانهای بی‌شیر را از شیر سرشار سازد... (صحیفه سجادیه، ۱۹۲).

مراسم نماز و دعای باران پس از کاشت محصولاتی زراعی نظیر گندم و جو اجرا می‌شده است. در واقع آنها خشکسالی و کاهش بارش نزولات آسمانی را نتیجه خشم خداوند به خاطر گناهان و معصیتهای انجام شده در سنوات گذشته دانسته و تلاش می‌کنند تا با اجرای این رسم رضایت پروردگار را نسبت به خود جلب کرده تا مورد بخشش و رحمت وی واقع شوند. حاجیه سیده زهرا در مورد چگونگی اجرای مراسم می‌گوید:

اگر پس از بذر پاشی باران نمی‌بارید و آب به اندازه کافی برای آبیاری زمینهای زیر کشت رفته گندم و جو نداشتیم

همسرانمان جریان را با میراب درمیان می گذاشتند و میراب نیز اولین جمعه دیماه را برای اجرای مراسم انتخاب می کرد و زمان را به همه ساکنین روستا جهت مشارکت اطلاع می داد. چون این مراسم به اعتقادات مذهبییمان ارتباط داشت همه اهالی روستا در آن شرکت می کردند. بدین صورت که در صبح زود روز تعیین شده و پیش از اذان صبح همه اهل روستا شامل زن و مرد، پیر و جوان در مسجد روستا جمع می شدیم و در ابتدا منبر مسجد را کنار نهر منتقل می کردیم. با آب قنات وضو می گرفتیم و نماز صبح را به صورت جماعت در مسجد روستا می خواندیم.

حاجیه رقیه در ادامه می گوید: پس از خواندن نماز صبح به سراغ منبر آفتاب و مردان ده آن را بر روی شانه هایشان می گذاشتند و با سلام و صلوات آن را به سوی مظهر قنات فیخار که حدود ۲ کیلومتر بالاتر از روستا بود می بردیم. باید قبل از سپیده دم و طلوع خورشید به مظهر قنات می رسیدیم. پس از رسیدن به مظهر قنات مردها منبر را بر زمین می گذاشتند و از منبر فاصله می گرفتند. حالا ما زنها کنار منبر می آمدیم و با صلوات فرستادن پارچه سفیدی که از جنس پنبه بود را روی منبر پهن می کردیم و منبر را آرایش می کردیم. سپس تعدادی از مردام مجدد جلو می آمدند و با مشارکت هم منبر را بلند کرده پای‌های آن را درون نهر قرار می دادند.

مراسم نماز و دعای باران ریشه در باورهای دینی و مذهبی دارند. از نظر دورکیم اعمال دینی نیازهای جامعه را منعکس می کنند و منشاء

وحدت جامعه هستند. رادکلیف براون به پیروی از دورکیم چنین استدلال می‌کند که عملکردهای مذهبی از باورهای دینی اهمیت بیشتری دارند. از نظر براون باورها، دلیل تراشی‌ها و توجیه‌های مناسک‌اند و می‌توان گفت که مناسک بیان نمادین و تنظیم شده برخی احساساتند. پس می‌توان نشان داد که مناسک کارکردهای اجتماعی خاصی دارند که ضمن تنظیم و حفظ احساساتی که بنای ساختمان جامعه را تشکیل می‌دهند، آن را از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهند (همیلتون: ۱۳۷۷، ۱۹۹). حال می‌توان نتیجه گرفت که اجرای مراسم نماز و دعای باران باعث ایجاد احساسات و برانگیخته شدن عواطف عمیق شرکت‌کنندگان شده و آن را تقویت می‌کند. این مسئله منجر به ایجاد و تقویت حس وابستگی و دلبستگی شرکت‌کنندگان در مراسم شده و توجه آنان را به جمع و جامعه دو چندان می‌کند. بدین‌سان بیشترین و مهمترین کارکرد اجتماعی و فردی اجرای مراسم نماز و دعای باران که عملی مذهبی است. ایجاد انسجام و همبستگی اجتماعی و گروهی و دور کردن افراد از تنش‌های و فشارهای روانی بوده است. مشهدی حسین در این باره می‌گوید:

ما معتقدیم که اولین بار نماز و دعای باران را امام رضا (ع) هنگام سفر به خراسان و در هنگام گذر از روستایمان وقتی که متوجه خشکسالی و مشکلات اجدادمان شدند برایشان خوانده است. به همین دلیل همه اهالی روستا در هنگام سپیده دم و طلوع خورشید در صفوف منظم مردها در جلو و زنها در پشت سر هم قرار می‌گرفتیم و پس از خواندن دو رکعت نماز همان

دعای باران امام رضا را می‌خواندیم. پس از اتمام مراسم نماز و دعا همگی به مسجد روستا برمی‌گشتیم و صبحانه را که با همت کل اهالی روستا و توسط زنان روستا آماده شده بود و در واقع سفره نذری بود و محتویات درون آن نیز شامل شیر، نان، پنیر و مقداری سبزی خوردن بود را دسته جمعی می‌خوردیم. واقعاً روز باصفا و خوبی را پشت سر می‌گذاشتیم. منبر نیز تا زمان بارش نزولات آسمانی در نهر می‌ماند. آخرین بار این رسم سه سال پیش برگزار گردید اما نه با آن شکوه. فقط چند نفر منبر را مقابل مسجد درون نهر گذاشتیم.

آیین قربانی: قربانی به معنای گرفتن زندگی موجود زنده اعم از انسان، گیاه و حیوان از راه کشتن، سوزاندن یا دفع کردن و خوردن برای تقرب به خدایان بوده است (مصطفوی، ۱۳۶۹: ۲۱). آیین قربانی در اشکال گوناگون و با اهداف متفاوت در همه ادیان ابتدایی و اساطیر و همچنین ادیان ابراهیمی جاری بوده است (ناس، ۱۳۸۷: ۵۶۷-۵۶۶). در واقع آیین قربانی در بردارنده رابطه انسان با خدا، دین، رفتارهای مربوط به قربانی و به طور کلی زندگی بشر است که انسان‌ها با انجام این آیین، ارزشمندترین دارایی خود را به خدای خود هدیه می‌کنند تا با این طریق بتوانند رضایت خدای خود را جلب کنند. ادوارد بارنت تایلور^{۵۸} از مردم‌شناسان قرن نوزدهم و بیستم میلادی بود که درباره اساطیر و ادیان جوامع ابتدایی به تحقیقات علمی پرداخت.

⁵⁸ Edvard Bernet Tayler

وی اولین کسی است که در زمینه قربانی به طور جدی به بحث و تفحص پرداخته و قربانی را کشش درونی انسان تعریف می‌کند که تعهدی است بین او و آنچه در ذهنش به عنوان مقدس در نظر می‌گیرد. از این رو، وی قربانی را کششی به موجودات برتر به جهت تامین عنایت و مساعدت بیشتر آنان می‌داند (لاجوردی و بهاری، ۱۳۸۹: ۱۴۶).

از نظر جیمز جورج فریزر^{۵۹} قربانی آیینی است مذهبی که در آن شیء، حیوان یا انسان با هدف ایجاد، ادامه یا تجدید رابطه رضایتمند شخص یا جامعه با یک معبود بدوی پیشکش می‌شود. این عمل سبب حفظ امنیت از سوی خدایان و دورکردن بلاها و گرفتاری از قومی بود که عمل قربانی را به جا می‌آوردند و یا برای دفع شر و آرامش بخشیدن به خدایان بوده است (فریزر، ۱۳۸۸: ۳۲۸-۳۲۷).

قربانی از جمله رسومی است که هر ساله برای افزایش آب قنات فیخار در روستای بخش آباد اجرا می‌شده و با تغییراتی اجرای آن همچنان ادامه دارد. زمان برگزاری این رسم سومین جمعه از ماه اسفند است. و تنها مردان در هنگام اجرای مراسم حاضر می‌شدند. در اجرای این رسم شاهد ایجاد نوعی از تعاونی بین کشاورزان هستیم. در مورد چگونگی اجرای رسم قربانی مشهدی علی می‌گوید:

مراسم هم بدین صورت بوده که میراب با مشورت کشاورزانی که مالکیتی از آب قنات داشتند یکی از روزهای

⁵⁹ James George Frazer

جمعه ماه اسفند را انتخاب کرده و به اطلاع عموم کشاورزان ساکن در روستا می‌رساند. سپس صبح روز جمعه تعیین شده همه مردان روستا شامل پیر و جوان که منبع درآمدشان ارتباط تنگاتنگی با آب قنات داشت پیش از اذان صبح به همراه روحانی روستا حیوان را به مظهر قنات برده و در ابتدا نماز صبح را به صورت جماعت با امامت روحانی روستا می‌خواندیم. سپس اقدام به خواندن دعاهای عقیقه و ندبه می‌کردیم که اینکار تا طلوع خورشید و سپیده دم طول می‌کشید. سپس در هنگام طلوع خورشید و سپیده دم، حیوان را کنار نهر آب برده و پس از نوشاندن جرعه‌ای از آب قنات حیوان را رو به قبله خوابانده و روحانی دعای قربانی را بلند تلاوت می‌کرد و ما هم تکرار می‌کردیم. پس از اتمام دعای قربانی قصاب که اصولاً از ریش سفیدان و افراد با ایمان و مورد اعتماد روستا بود اقدام به ذبح حیوان می‌کرد و خون آن را درون نهر آب جاری می‌ساخت. سپس گوشت را داخل نهر شسته و مقدار کمی از گوشت قربانی را به نیت تبرک در همانجا طبخ کرده و می‌خوردیم و بیشترین مقدار آن را به روستا آورده و به عنوان نذری بین نیازمندان تقسیم می‌کردیم. این رسم با تغییراتی همچنان نیز اجرا می‌شود. بدین صورت که مالکین و خرده مالکین زمین و آب قنات فیخار، باز هم در همان ماه آخر سال و نذر واقع آخرین مدار گردش آب، مدار را از ۸ شبانه روز به ۹

شبانه روز تغییر داده و آن یک شبانه روز را به مالک و یا کشاورزی که احساس نیاز بیشتری به آب دارد در ازای دریافت مبلغی پول که برای تهیه یک راس گوسفند کفایت کند واگذار می‌کنند. سپس کشاورزانی که در این تعاونی مشارکت کرده‌اند در آخرین جمعه سال در مظهر قنات حاضر شده و پس از خواندن نماز صبح و دعای عقیقه اقدام به ذبح گوسفند کرده و خون آنرا همچون گذشته در درون نهر روانه می‌کنند. و در آخر کار گوشت را در آب شسته و آن را به روستا منتقل کرده و به عنوان نذری بین همه ساکنین روستا تقسیم می‌کنند.

مراسم قربانی ترکیبی از اعمال و باورها و جزء رسومی است که در فرهنگ اکثر جوامع وجود دارد و به نوعی می‌توان آنرا جزء بنیادی و اساسی فرهنگ هر جامعه به شمار آورد. در اجرای این رسم در روستای بخش آباء مردانی مشارکت دارند که شغلشان کشاورزی و وابستگی‌شان به آب بسیار است. هرکس تلاش می‌کند تا بر اساس توان مالیش در برگزاری هرچه باشکوه‌تر آن سهم باشد. روستاییان بر این باورند که اگر نذرشان مورد قبول خداوند واقع گردد همگی از برکات آن بهره‌مند خواهند شد. در هنگام اجرای این رسم همکاری، همیاری و تعاون نزد اهالی روستا تقویت می‌شود. این رسم ایجاد امنیت روانی بین شرکت‌کنندگان را فراهم می‌کند و به آنان می‌آموزد که همکاری و تعاون بر تکروری ارجحیت دارد.

عروس چشمه: نوعی دیگر از مراسم آبخواهی از قنات فیخار که در گذشته ای نه چندان دور در روستای بخش آباد انجام می شده است عروس چشمه بوده است. ساکنین روستای بخش آباد اعتقاد دارند که جنسیت آب قنات فیخار نر است. احتمالاً اعتقاد به نر و ماده بودن چشمه ها و قنات بقایای مراسم دوران ستایش آناهیتا در ایران است. به عقیده تایلر عناصر بازمانده، عناصری هستند که در یک جامعه مشخص مشاهده می شوند اما بر خلاف سایر عناصر دارای کارکردی منطبق با جامعه خود نیستند. بنابراین حضور آن ها در آن جامعه را باید به دلیل نوعی عادت و نوعی تعلق خاطر سوای کارکرد نخست آن‌ها دانست (فکوهی، ۱۳۹۲: ۱۳۲). به عبارتی رسوم بی معنی موجود در جوامع، احتمالاً بقایای عادت و رسوم گذشته هستند که در ابتدا هر جا و هر زمان که پدید آمدند دارای فوایدی بودند، اما چون جوامع به مرحله ای از تکامل رسیده اند، آن رسوم نیز در مسیر تغییر و تکامل معنی اصلی خود را از دست داده اند. علت این عقیده نزد روستائیان نیز به دلیل سرعت بسیار زیاد حرکت آب در میان نهرها به دلیل شیب زمین بوده است. سرعت زیاد جریان آب باعث ایجاد دره های عمیق و خرابی چه در راهینچ^{۶۰} و چه پس از خروجش در مظهر قنات و در مسیر نهر تا به روستا و درون زمینها و مزارع کشاورزی می شود. به گونه ای که اگر شخصی بخواهد برای اولین مرتبه آبیاری سنتی یک مزرعه را انجام دهد، ممکن است به دلیل کمی تجربه در کنترل

۶۰. به نهر درون قنات که آب در آن جریان دارد راهینچ می گویند.

آب قنات فیخار و عدم توزیع و تقسیم میزان مناسب آب بین خطوط و نه‌های کوچک داخل زمین کشاورزی کار برایش بسیار دشوار و طاقت فرسا باشد. حاجی فرامرز در این رابطه می‌گوید:

هر موقعی که نوبت به آبیاری مزارعم فرا می‌رسد کلی خسته می‌شوم، مخصوصاً اگر زمان آبیاری شب باشد. اصلاً نمی‌توانم حتی برای دقایقی پلک‌هایم را روی هم گذاشته و کمی استراحت کنم چون هر لحظه احتمال خرابی نه‌ها توسط آب و خروج آن از زمین وجود دارد. مجبورم که با توجه به هزینه‌های بالا کارگر استخدام کنم.

باستانی پاریزی می‌نویسد: جالب‌ترین رسم مربوط به قنات را باید در اصفهان دید. در یکی از روستاهای اصفهان، رسم است که برای ازدیاد آب قنات و حفظ آن از مخاطرات، یک پیرزن را برای قنات به عنوان همسری عقد می‌کنند، پیرزن باید هفته‌ای یکبار در آن قنات آبتنی کند. وی معتقد است که می‌توان آن را عروسی قنات نام گذاری کرد که گویاترین رسم از عهد ناهید پرستی است (فرهادی، ۱۳۷۳: ۱۷۷).

حاجی علی اکبر در رابطه با جنسیت قنات می‌گوید: در گذشته که نه‌ اصلی قنات به شکل امروزی سیمانی در نیامده بود، در طول شبانه روز حداقل ۳ مرتبه باید در مسیر نه‌ از مظهر قنات تا ورودی آب به روستا و مزارع رفت و آمد می‌کردیم و مراقب می‌شدیم که میادا آب

دره کند^{۶۱} و خارج از نهر جریان پیدا کند. حاجیه رقیه در رابطه با مراسم عروس چشمه می‌گوید:

پس از گذشت یک ماه از اجرای مراسم قربانی اگر بارش نزولات آسمانی شروع نمی‌شد و تغییرات ملموسی در افزایش آب قنات دیده نمی‌شد روستائیان می‌گفتند که چون آب قنات نر است قهر کرده و به دنبال جفت ماده خود رفته است. حالا ما باید برای بازگرداندنش دستبکار شویم و با در نظر گرفتن زنی به عنوان همسر برای آب آن را به قنات بازگردانده و از وجود مبارکش بهره‌مند شویم. با توجه به اینکه اجرای این رسم کاملاً زنانه بوده، در ابتدا زنان روستا زنی را انتخاب می‌کردند که باید دارای این ویژگی می‌بود ۱. باکره نباشد. ۲. هنگام اجرای مراسم تنها شده و همسر نداشته باشد، یعنی همسرش فوت شده باشد و هرگز نباید طلاق گرفته باشد. ۳. همواره پاکدامن و مورد اعتماد و احترام زنان روستا باشد ۴. جوان نباشد. در روز تعیین شده همه زنان روستا پیر و جوان هنگام اذان صبح نماز را به صورت جماعت در مسجد روستا می‌خواندیم و به سوی مظهر قنات حرکت می‌کردیم. حتماً باید قبل از طلوع خورشید و سپیده دم آنجا می‌رسیدیم، زیرا این زمان برای ما نماد پاکی و آراستگی است. در ابتدا از عروس خانم می‌خواستیم که لباس و چادر سفید رنگی را که

۶۱. در اصطلاح محلی یعنی خراب شدن نهر.

اهالی روستا برایش تهیه و تدارک دیده بودند را بر تن کند و بین ۵ لگن مسی پر از آب قنات بایستد. سپس پنج دختر جوان دم بخت که هر یک آینه‌ای در دست داشتند مقابل لگن‌ها ایستاده و نور خورشید را به درون آب می‌تابانند. انعکاس نور خورشید از درون آب بر روی عروس منجر به نورانی شدن عروس خانم می‌گردد. در این هنگام همسر روحانی روستا که از زنان پاکدامن روستا بود اقدام به خواندن خطبه عقد می‌کرد و زن را به عقد آب قنات در می‌آورد. سپس همسر کدخدا نزد عروس می‌آمد و یک کله قند و یا پارچه‌ای سفید رنگ به او هدیه می‌داد. عروس خانم نیز برای باز شدن بخت دختران مقداری از آب داخل لگن‌ها را بر سر و صورت آنها می‌پاشید. بعد از انجام این کارها همگی گرداگرد سفره‌ای می‌نشستیم و با شادی صبحانه‌ای را که مواد غذایی آن با همت و تلاش اهل روستا تهیه شده بود و اصولاً شیر، پنیر، کره و نان بود را می‌خوردیم. سپس سفره را جمع می‌کردیم و زنانی که نوازندگی می‌دانستند شروع به نواختن دنبک می‌کردند و همگی با شادمانی اقدام به رقص و پایکوبی می‌کردیم. حال که دیگر هوا گرم شده و زن نیز همسر شرعی و قانونی آب قنات بود روستائیان با پاشیدن شباش که پسته و بادام بود بر سر زن او را تشویق می‌کردیم که برهنه شده و داخل نهر رود و تن خود را با آب قنات بشوید. عروس نیز با

رفتن به داخل نهر با یک کاسه مسی ۵ کاسه آب به نیت ۵ تن
 آل عبا بر تن خود می ریخت و خود را آب می کشید.
 عروس چشمه به عنوان یکی از رسوم آبخواهی دارای کارکردهایی
 آشکار و پنهان برای روستائیان بوده است. همانگونه که گفته شد
 مجریان این رسم زنان آن هم از تمام اقشار جامعه بوده اند. این مسئله
 بیانگر اهمیت و نقش تعیین کننده آب در زندگی همه روستائیان بوده
 است. با اجرای رسم عروس چشمه شاهد ایجاد و تأیید دوباره ارزش‌ها
 و باورداشت‌های خاص در جامعه هستیم. ارزشها و باورداشت‌هایی که
 وجودشان برای دوام و بقای جامعه ضروری است.

عناصر مشترک در سه رسم آبخواهی

در هنگام اجرای رسوم سه گانه آبخواهی اعمال و عناصر مشترکی به
 چشم می خورد که این مسئله نشأت گرفته از اعتقادات و باورهای
 ساکنین روستا بوده و رعایت آنها توسط حاضرین در مراسم الزامی
 است. اولین مورد زمان اجرای مراسم است. زمان اجرای هر سه رسم
 در روز جمعه و هنگام اذان صبح بوده است. این مسئله بازمی‌گردد به
 اعتقادات شیعیان. طبق اعتقاد شیعیان روز جمعه متعلق به آقا امام
 زمان است و اجرای این رسوم در روز جمعه موجب شفاهت‌خواهی
 ساکنین روستا توسط امام زمان نزد پروردگار خواهد شد. همچنین
 زمان شروع و اجرای قسمت اصلی هر سه مراسم هم زمان با اذان صبح
 بوده و تا طلوع خورشید و سپیده دم نیز ادامه می یافته است. دلایل
 انتخاب این زمان نیز این چنین بوده است. ۱. شرکت کنندگان در
 هنگام اجرای مراسم شاداب تر بودند و معتقدند که اگر زود هنگام و در

اول صبح فعالیتها آغاز شوند نتایج بهتری به همراه خواهند داشت و با خیر و خوشی نیز به سرانجام خواهند رسید. ۲. آنها معتقدند که در ابتدای صبح هنوز مرتکب هیچ خطا یا گناهی نشده‌اند و خداوند متعال خواسته‌هایشان را سریعتر اجابت خواهد کرد. ۳. خواندن نماز صبح به صورت جماعت آن هم در یک محیط آرام و دلنشین منجر به ایجاد آرامش روحی و روانی برای شرکت‌کنندگان شده و وحدت و یکدلی را برایشان به همراه خواهد داشت. ۴. سپیده دم و طلوع خورشید نزد آنان نماد پاکی و آراستگی طبیعت است.

دومین عنصر مشترک در هنگام اجرای مراسم سه گانه آبخواهی موضوع تفکیک جنسیت و تقسیم کار بوده است. این مسئله برای روستائیان بسیار حائز اهمیت بوده و بیانگر توجه بیش از اندازه روستائیان به تابوهای جنسی بالاخص در هنگام اجرای مراسم معنوی بوده است. از نظر روستائیان قربانی و ذبح حیوانات فعالیت‌های است کاملاً مردانه، در نتیجه در هنگام اجرای مراسم قربانی تنها مردان روستا در آن حاضر می‌شدند. در اجرای مراسم نماز و دعای باران مردان و زنان روستا حضور داشتند اما باز هم در هنگام اجرا و انجام وظایف تفکیک جنسیت توسط روستائیان رعایت می‌شده است. بدین صورت که در هنگام اقامه نماز صبح بین مردها و زنها فاصله‌ای را در نظر می‌گرفتند و با پارچه‌ای از جنس کرباس آنها را از هم جدا می‌کردند. این مسئله که از سفارشات دین مقدس اسلام است. همچنان نیز در هنگام اجرای نماز جماعت در مساجد رعایت می‌شود. به دلیل توانایی جسمی حمل منبر وظیفه مردان بوده و زنان در حمل آن

هیچگونه دخالتی نمی‌کردند. اما جامه پوشاندن و آرایش منبر که کاری است ظریف بر عهده زنان بوده و مردها حق دخالت در آن را نداشتند. اجرای مراسم عروس قنات فیخار نیز کاملاً بر عهده زنان روستا بوده و تنها زن‌ها حق حضور و مشارکت در آن را داشتند و از حضور مردان در اجرای این مراسم خبری نبوده است. در حال حاضر نیز در هنگام اجرای برخی از قسمتهای مراسم ازدواج شاهد برخی از فعالیت‌های کاملاً زنانه و یا مردانه هستیم و تفکیک جنسیت کاملاً رعایت می‌شود. به عنوان نمونه در شهر دامغان و روستاهای پیرامون آن شب قبل از اجرای مراسم عقد خانواده داماد هدایایی را تحت عنوان سفیدی برای عروس تهیه کرده و تنها زنان خانواده داماد آنها را نزد خانواده عروس که فقط زنان در آن حضور دارند برده و تحویل می‌دهند.

سومین عنصر مشترک که در اجرای مراسم سه گانه وجود داشته و رعایت آن نیز الزامی بوده و می‌توان از آن به عنوان یک نماد یاد کرد، رنگ سفید بوده است. حیوان مورد نظر برای قربانی، پارچه ای که برای پوشانیدن منبر استفاده می‌شده، لباس، هدایا و غذایی که طبخ می‌شده حتماً باید سفید رنگ می‌شدند. در واقع رنگ سفید برای روستاییان نشانه روشنایی، پاکیزگی و دوری از پلیدی بوده است. آنها معتقدند که ائمه در تمام ادوار زندگی تنها از پوشاک به رنگ سفید استفاده کرده‌اند.

در هنگام اجرای مراسم سه گانه آبخواهی برای قنات فیخار، شاهد ایجاد تعاون و یاریگری هستیم که از آن می‌توان به عنوان چهارمین

عنصر مشترک یاد کرد. تعاون واژه‌ای است عربی که در زبان فارسی دارای معانی چون یاریگری و یا هم‌یاری است و به مفهوم مشارکت در یک اقدام گروهی به منظور رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده و مشخص. از مهمترین ویژگی‌های تعاون و یاریگری می‌توان به خصلت جمعی و گروهی بودن و روابط متقابل بین شرکت‌کنندگان اشاره کرد. این نوع از فعالیت‌ها مشارکت‌کنندگان را به سوی همبستگی اجتماعی ارگانیک که از ویژگی‌های جوامع سنتی و مکانیکی است سوق می‌دهد. باورهای مشترک در جوامع با ساختار سنتی منجر به ایجاد وحدت و همبستگی می‌شود. همانگونه که دورکیم دریافته بود که تنها در صورتی می‌توان وحدت اخلاقی اعضای یک جامعه را تضمین کرد که متکی بر یک رشته تجلی‌های نمادین مشترک و نیز مفروضات مشترک درباره جهان پیرامونشان باشند. او معتقد بود که بدون چنین اعتقادات مشترکی، هر جامعه‌ای چه جدید و چه ابتدایی محکوم به تباهی و فروپاشی است. (کوزر، ۱۳۸۹: ۱۹۱). مراسم سه‌گانه آبخواهی از جمله مراسم‌های بودند که به صورت گروهی و برای رسیدن به یک هدف مشخص که همان آب بوده اجرا می‌شده است. هر یک از حاضرین با برعهده گرفتن و تأمین قسمتی از هزینه‌ها و یا تهیه مواد اولیه مراسم در واقع نوعی از تعاونی و همکاری را ایجاد می‌کردند. مشارکت در تأمین هزینه خرید حیوان مورد نظر به منظور قربانی، حمل گروهی منابر از روستا و تأمین پارچه و هزینه تهیه صبحانه در هنگام اجرای مراسم نماز و دعای باران، همکاری در تهیه هدایا، غذا و وسایل مورد نیاز در هنگام اجرای مراسم عروس چشمه‌واردی

هستند که انجام آنها به راحتی از عهده یک نفر بر نمی‌آمده و تعاون و همکاری را برای رسیدن به هدف مشترک طلب می‌کرده است.

بحث

اجرای مراسم جزئی از پیچیده‌ترین صور رفتاری بشر است که برای رسیدن به انواع مقاصد اجرا می‌شوند و دارای کارکردهای متفاوتی نیز هستند. مالینوسکی اجرای مراسم را در چارچوب نظریه کارکردگرایی ساختاری در پاسخگویی به نیازهای اساسی برای مشارکت، مودت و پیوند اجتماعی می‌داند (ادیبی و انصاری، ۱۳۸۷: ۲۵۸). دورکیم نیز معتقد است که تنها در صورتی می‌توان وحدت اخلاقی اعضای یک جامعه را تضمین کرد که متکی بر یک رشته تجلی‌های نمادین مشترک و نیز مفروضات مشترک درباره جهان پیرامونشان باشند (کوزر، ۱۳۸۹: ۱۹۱). به طور کلی هدف از اجرای مراسم آبخوانی در مناطق کم‌آب تکریم و بزرگداشت آب و یا بدست آوردن و حفظ آن بوده است. زیرا در برخی از سال‌ها طبیعت نسبت به انسان روی گردان شده و از فرستادن نعماتش نظیر ابرهای باران را مضایقه کرده و زندگی و بقا را برایش سخت و طاق فرسا ساخته است. انسان نیز با اتکاء به نیروی ایمان و خرد به مبارزه با طبیعت برخاسته و هرگز چهره یک مغلوب و شکست خورده را به خود نگرفته و درواقع در اغلب مواقع نیز پیروز این نبرد نابرابر بوده است. انسان با ابداع و اجرای مراسم آب‌خواهی که نشأت گرفته از اعتقاداتش بوده و بعضاً دارای ریشه‌های مذهبی هستند به جنگ با طبیعت و دیو خشکسالی رفته و اینچنین طلب یاری از پروردگارش کرده است. اما در مورد

نتایج حاصل از اجرای مراسم نمی‌توان به صراحت گفت که آیا پس از اجرا خشکسالی از بین رفته و آبرسانی ایجاد شده یا که خیر. باید توجه داشت که هرچند اجرای این قبیل مراسم ممکن است نتایج مورد نظر را به همراه نداشته باشد، اما باز هم اجرای آن توسط اعضای جامعه امری ضروری و با اهمیت برای جامعه به حساب می‌آیند. علت اصلی ضرورت و اهمیت اجرای آن صرفاً اجرای خود مراسم نبوده بلکه کارکردها و نتایج پنهان آن برای کل جامعه بوده است.

مردمان یک سرزمین که به فعالیت‌های زراعی مشغول بوده و وجود آب نقش تعیین‌کننده‌ای در زندگیشان داشته است برای غلبه بر خشکسالی و کمبود آب اقدام به اجرای مراسم آبخواری آن هم در یک زمان از پیش تعیین شده می‌کردند. این بهانه‌ای بود که همگی کنار هم قرار بگیرند و از حالت فردی و جزء به یک کل تبدیل شوند و وحدت و همبستگی بین آنان تقویت و یا ایجاد شود. با کنارهم قرار گرفتن در هنگام اجرای مراسم پیرامون مشکلات پیش آمده بر اثر کم آبی گفتگو می‌کردند و همدیگر را دلداری می‌دادند. حتی اگر بر اثر کم آبی و در هنگام تقسیم مقدار ناچیز آب نزاع و دشمنی بینشان پیش آمده بود را به فراموشی سپرده و زمینه را برای دوستی و رفاقت مجدد فراهم می‌ساختند. مردم با کنار هم قرارگرفتن دیگر خود را تنها و درمانده نمی‌دیدند و به یک آرامش نسبی روانی می‌رسیدند. عواطف و احساسات شدیدی که در چنین فرصت‌هایی برانگیخته می‌شد، منجر به ایجاد حس خوب دگرگونی در زندگی آنها در زمان‌های بحرانی می‌گردید و اینچنین بود که آنها را برای مبارزه با مشکل کم

آبی آماده می‌کرد تا بتوانند آن دوران سخت و پر تلاطم را با آرامش سپری کنند. در نهایت می‌توان گفت که اجرای این چنین مراسمی در خدمت حفظ منافع جمعی بوده و در زندگی جمعی به همان اندازه اهمیت و ضرورت داشته که وجود خوراک برای جسم انسان ضرورت دارد. زیرا از طریق اجرای مراسم است که جمع خود را تأیید و وحدتش را تضمین و سلامت روحی و روانی شرکت‌کنندگان را فراهم می‌سازد.

امروزه با توجه به رشد سریع تکنولوژی و استحصال سریع آب از طریق حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق اجرای این نوع از مراسم یا به باد فراموشی سپرده شده‌اند و یا اگر هم اجرا شوند فقط برای تفنن و سرگرمی می‌باشند. شاید بتوان با اشاره به نظریه بقایای تایلور، این موضوع را مورد تأکید و تأیید قرار داد که باورها و اعتقادات مردم در اثر گذر زمان و بر اثر تغییراتی که ایجاد شده است، شکل اصلی خود را از دست داده و به دلیل آگاهی‌های به دست آمده امروزی، این باورها دیگر کارکرد گذشته خود را ندارند. اما در روستای بخش‌آباد، مراسم آبخواهی در سه نوع مراسم، نماز و دعای باران، قربانی و عروس چشمه برگزار می‌شود این مراسم‌ها با ویژگی‌های مشترکی از جمله زمان اجرای مراسم در روز جمعه سوم اسفند هر سال، تفکیک جنسیت و تقسیم -کارو پوشش رنگ سفید در صدد ایفای نقش و کارکردهای انسجام، همیاری و تعاون در میان روستاییان می‌باشد.

منابع

- ادیبی، حسین و انصاری، عبدالمعبود (۱۳۸۷). نظریه‌های جامعه‌شناسی، چاپ ۲، تهران، انتشارات دانژه.
- انصاری نسب، بنیامین (۱۳۹۲). تحلیل نشانه‌شناختی آیین قبله دعا (طلب بارش باران) در قشم، فصلنامه فرهنگ مردم ایران، شماره ۳۴، ص ۱۲۷.
- بهروزی نیا، زهره (۱۳۹۴). بررسی ردپای جانبخش آناهیتا بر عروسک‌های آیین باران خواهی، فصلنامه تئاتر، شماره ۶۱، صص ۲۳-۲۴.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۴۷). یشت‌ها (گزارش). جلد ۱. تهران، کتابخانه طهوری.
- تفضلی، محبوبه و کرمی، غلامحسین و خادمی، محسن (۱۳۹۴). بررسی خصوصیات کمی و کیفی چشمه قنات فیخار دامغان، همایش کنگره ملی آبیاری و زهکشی ایران، دوره ۱.
- توسلی، غلام عباس (۱۳۷۶). نظریه‌های جامعه‌شناسی، چاپ ۶، تهران، سمت.
- خالدیان، ولید و مستوره ابراهیمی (۱۳۹۳). بحران آب و مدیریت آن در استان کردستان مطالعه موردی شهرستان دیواندره، دومین کنفرانس ملی مدیریت بحران و HSE در شریان‌های حیاتی، صنایع و مدیریت شهری، تهران، دبیرخانه دائمی کنفرانس ملی مدیریت بحران.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۷). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی..

- ریویر، کلود (۱۳۸۱). درآمدی بر انسان‌شناسی، ترجمه ناصر فکوهی، تهران، نی.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۷۳). فرهنگ یاریگری در ایران، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فریزر، جیمز جرج (۱۳۸۸)، شاخه زرین، ترجمه کاظم فیروزمند، چاپ ۶، تهران، آگاه.
- فکوهی، ناصر (۱۳۹۲). تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران، نی.
- کاوسی، اسماعیل و مینو حیدری (۱۳۹۱). بررسی نقش رسانه ملی در کنترل بحران آب تهران در سال ۱۳۸۰، فصلنامه مطالعات رسانه‌ای، سال ۷، شماره ۱۷.
- کمیل، الیزابت (۱۳۹۶). مردم‌نگاری امروزی (نظریه‌ها و روش‌ها)، ترجمه سعیدیه صالحی، ناشر: گل آذین.
- کوزر، لیویس (۱۳۸۹). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ ۳، تهران، علمی.
- گاربارینو، مروین (۱۳۷۷). نظریه‌های مردم‌شناسی، ترجمه عباس محمدی اصل، تهران، آوای نور.
- لاجوردی، فاطمه و بهاری، مینا (۱۳۸۹). مفهوم قربانی در دیدگاه سه تن از محققان سده‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی (هربرت اسپنسر، ادوارد تیلور، جیمز جورج فریزر) پژوهشنامه ادیان، سال چهارم، شماره هفتم.

Abstract

Watering ceremony and its socio-cultural functions; Ethnography of the watering ceremony of the Fikhar aqueduct

Lack of water as the best wealth available to human beings is one of the most important challenges that has always been emphasized in the history of Iran. Due to the arid and fragile climate of the country, especially in the central regions, it has been of special interest to the people of this land as a life-giving factor. For this reason, they have constructed aqueducts so that they can make optimal use of groundwater. In Bakhshabad village, due to the importance and method of water distribution of Fikhar aqueduct, a water-seeking ceremony has been held every year. This study, considering the functionalist approach, has tried to ethnography the ceremony by considering its socio-cultural functions for the villagers. The results show that the watering ceremony was held in Bakhshabad village in three types of ceremonies, prayer and prayer of rain, sacrifice and bride of Cheshmeh. These ceremonies have functions of cohesion, cooperation and collaboration among the villagers and with elements Subscribers were linked. The time of the ceremony on the third Friday of Esfand every year, gender segregation and division - work white clothing for all are the most important common elements that can be seen in the watering ceremony in all three types of ceremonies.

Keywords: Watering ceremony, socio-cultural functions, Ethnography, Fikhar aqueduct, Bakhshabad village.

فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی کاربردی و پژوهش‌های اجتماعی (شماره ۴ تابستان ۱۴۰۱)